



تأثیر حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

نصرت‌اله حیدری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده:

با حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳م، عراق شاهد حضور گسترده نیروهای فرامطقه‌ای خصوصاً آمریکا در این کشور بوده است، به طوری که بیش از ۱۴۰ هزار نیروی نظامی آمریکا با تجهیزات کامل در این کشور مستقر شدند. احداث ده‌ها پایگاه نظامی و آموزشی و جاسوسی علی‌رغم بیش از ۱۷ سال از اشغال عراق از دیگر پیامدهای حضور آمریکا در عراق جدید است. حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید برای منطقه و ایران پیامدهای امنیتی به همراه داشته است. در این مقاله به بررسی آثار و پیامد حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. سؤال اصلی این پژوهش این است که حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید چه آثار و پیامدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی اثرگذار بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، منابع کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از تئوری‌های مکتب کپنهاک می‌باشد.

واژگان اصلی: نیروی‌های فرامطقه‌ای، آمریکا، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، مکتب کپنهاک.

۱. استادیار علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول) nosratheidari@gmail.com



مقدمه

امنیت^۱ از جمله مقولات پیچیده و بحث برانگیز در روابط بین‌الملل است. نوعی اتفاق نظر وجود دارد که به صورت تلویحی معتقد است امنیت به معنای رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین است. بسیاری از افراد معتقدند مسأله امنیتی هنگامی به وجود می‌آید که شخص - فرد یا گروه تبهکار یا دولت - زندگی، جان یا استقلال دیگری را تهدید کند. البته درباره اینکه توجه و تمرکز اصلی باید در سطح «فرد»، «ملی» و یا بین‌المللی باشد، اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. در دوره‌ی جنگ سرد تمرکز امنیت بیشتر بر امنیت ملی استوار بود که عمدتاً تعریف آن با اصطلاحات نظامی بیان می‌شد. در مقابل برخی از صاحب‌نظران چون باری بوزان در اثر خود تحت عنوان «مردم، دولت‌ها و هراس» معتقد به نوعی دیدگاه نسبت به امنیت است که علاوه بر جنبه‌های نظامی، شامل جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی نیز باشد. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم، چالش‌ها و مشکلات امنیتی را در خاورمیانه و از جمله برای ایران به وجود آورده است. ابعاد این مشکلات فراتر از تهدیدات نظامی است. این تهدیدات در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و حتی زیست محیطی نیز بر امنیت ایران اثرگذار بوده است. پژوهش حاضر در تلاش است که آثار حضور نیروهای آمریکا را در عراق جدید بر امنیت ملی ایران مورد بررسی قرار دهد. محقق در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه مکتب کپنهاک به واکاوی پیامد حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداخته است.

در این راستا می‌توان گفت که با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام حسین و متعاقب آن شکل‌گیری داعش و گروه‌های سلفی، عراق جدید شاهد حضور گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکایی در این کشور گردید. بهانه آمریکایی‌ها برای حضور در عراق مبارزه با تروریسم و کمک به امنیت خاورمیانه ذکر گردیده است. حضور طولانی مدت نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی عراق اثر گذار بوده است. این تهدیدات به عبارتی آرامش اجتماعی و امنیت عراق را با مخاطرات جدی مواجه ساخته است. مقاصد امنیتی و استراتژیک آمریکا در عراق را می‌توان تأمین و تضمین بقای اسرائیل، حفظ

^۱ - Security

جریان انرژی و نفت به سوی غرب، جلوگیری از ظهور قدرت‌های ضد آمریکایی در منطقه و قدرت‌یابی رقبای آمریکا در منطقه، حمایت از رژیم‌های موافق و هماهنگ با آمریکا و مقابله با کشورهای رادیکال خاورمیانه از جمله ایران عنوان کرد.

گسترش حضور نیروهای نظامی آمریکا در عراق را باید در زمره تهدیدات امنیتی آمریکا به حساب آورد. در این ارتباط، حمایت آمریکا از گروه‌های تروریستی در عراق علیه ایران و شهادت سردار سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران، اوج این اقدامات خصمانه از جغرافیای عراق است. البته حضور نیروهای آمریکایی در عراق و آثار آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دیگر به بعد نظامی خلاصه نمی‌گردد. این تهدیدات در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی زیست محیطی نیز قابل واکاوی است. با توجه به همسایگی عراق با ایران و اثرگذاری تحولات سیاسی آن بر ایران، مقاله حاضر به دنبال تبیین آثار و پیامدهای حضور نیروهای آمریکا در عراق و متعاقب آن تأثیر این تهدیدات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. فرضیه این پژوهش عبارتست از این که حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید در ابعاد مختلف امنیتی بر عراق اثر گذار بوده است و این اثرات و حضور بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأثیرگذار بوده است. لذا متغیر مستقل در این تحقیق، تأثیر حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید و متغیر وابسته، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. محقق ضمن مراجعه به این منابع شناخته شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز خود را با ذکر دقیق مشخصات منابع مورد نظر، گردآوری کرده است.

۱. رهیافت نظری

پژوهش حاضر از منظر «مکتب کپنهاک»^۱ به بررسی حضور نیروهای فرماندهی منطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. مکتب

^۱ - Copenhagen School



کپنهاک اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، آل ویور، دو ویلد و برخی دیگر به کار برده است. از اوایل دهه ۱۹۹۰ یک رشته مطالعات و اظهار نظر در خصوص امنیت در اروپا مطرح شد که کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس، امنیت چهارچوبی جدید برای تحلیل» و «امنیتی ساختن و ناامنی» از آن جمله است.

مکتب کپنهاک یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی تمرکز دارد و اندیشه‌ها و افق‌های جدیدی را در باب این مفهوم گشوده است. این مکتب بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای بر آن بیفزاید (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲). طرح امنیت موسع در برابر مضیق یکی از این موارد است که به منظور توسعه ابعاد امنیت مطرح شده است. از دیگر مسائل مهمی که این مکتب مطرح می‌سازد، مفهوم امنیتی ساختن موضوعات است که بیشتر توسط بوزان و ویور مورد بررسی قرار گرفته است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در کتاب امنیت؛ چهارچوبی جدید برای تحلیل به قلم «باری بوزان»^۱ و «اوله ویور»^۲ نگاه سنتی به امنیت رد شده است. در دیدگاه سنتی توجه فراوانی به مقوله‌ی نظامی‌گری می‌شود، اما در این کتاب امنیت به شکل موسع در پنج حوزه در دستور کار قرار گرفته است: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی (Buzan, Waver & Wilde, 1998: 21-22).

بوزان تأکید بسیاری بر شناخت مفهوم «امنیت» داشته است. از نظر او درک صحیح مسأله امنیت ملی به درک صحیح از مفهوم امنیت بستگی دارد. او تهدید محوری را در مفهوم امنیت مورد کنکاش قرار داده است و می‌نویسد: «امنیت در نبود مسأله دیگری به نام تهدید، درک می‌شود» (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). تأکید دیگر مکتب کپنهاک دولت محوری در مرجع امنیت است. به عبارتی مکتب کپنهاک با رد فردمحوری در مرجع امنیت، تمرکز خود را بر روی دولت به عنوان محور امنیت قرار می‌دهد و بر این نظر است که تا کنون در نظام بین‌الملل دولت‌ها قوی‌ترین بازیگران بوده‌اند. دولت عامل اول در کاهش ناامنی و بازیگر غالب در نظام بین‌الملل است (بوزان، ۱۳۹۰).

¹ - Barry Buzan

² - Ole Waver

بر این اساس، مهم‌ترین مفاهیم بنیادی در مکتب کپنهاک عبارتند از:

الف) بیناذهنی بودن امنیت

بوزان نقطه آغازین مسأله امنیتی یا موضوع امنیتی را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند. از اصل بین ذهنی امنیت می‌توان نتیجه گرفت که اولاً آستانه امنیتی دولت - ملت‌ها با یکدیگر متفاوت است و ثانیاً اینکه دیگران چگونه در خصوص امنیتی ساختن موضوعی توسط بازیگر امنیتی می‌اندیشند و آن را ارزیابی می‌کنند، مهم است؛ زیرا این امر بر نحوه پاسخ آنها تأثیر می‌گذارد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

ب) دولت محوری به عنوان مرجع امنیت

بوزان یک نواقع‌گرا است، لذا دولت را مرجع امنیتی می‌داند. او بر این نظر است که تا کنون در نظام بین‌الملل دولت‌ها قوی‌ترین بازیگران بوده‌اند و در حال حاضر به صورت مهم‌ترین معیار جهانی مشروعیت سیاسی درآمده‌اند. البته کرونا هم بر این موضوع صحنه گذاشت.

ج) امنیت موسع در برابر مضیق

بوزان با رد نگاه تک بعدی به بحث امنیت، آن را در شکل موسع تعریف می‌نماید. او امنیت را به ابعاد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی توسعه می‌دهد. ریچارد اولمن در سال ۱۹۸۳ اولین مقاله و نقد را درباره‌ی امنیت مضیق نوشت. او در این مقاله، امنیت صرفاً نظامی را زیر سؤال برد (Ullman, 1983: 129-103). هافندرون در سال ۱۹۹۱ مطالعات امنیتی را از تمرکز بر امنیت نظامی به جنبه‌های اقتصادی، تکنولوژیک و داخلی تسری داد (Haftendorn, 1991: 3-17).

باری بوزان هم که یک نواقع‌گرا است، اولین نقدهای جدی را بر روی رهیافت‌های امنیتی موجود از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح ساخت که بر اساس آن، بقای دولت‌ها یا بازیگران دولتی فقط توسط اسباب و عوامل نظامی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد. بلکه باید سایر حوزه‌های موضوعی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را نیز بدان اضافه کرد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵). او با زیر سؤال بردن امنیت مضیق، امنیت را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش داد (Buzan, 1998: 4-5). مکتب کپنهاک را می‌توان واکنشی نسبت به دیدگاه رئالیست‌ها و لیبرالیست‌ها نسبت به امنیت دانست، در حالی که رئالیست‌ها در بحث امنیت،



محوریت را به قدرت نظامی می‌دادند، لیبرال‌ها با خوش خیالی تأمین امنیت را در دست‌یابی به صلح می‌دانستند. در واقع چهارچوب تنگ و محدود دامنه امنیت در دیدگاه آنان، در مکتب کپنهاک اصلاح گردیده است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۶).

در مجموع بوزان برای اثبات ضرورت موسع بودن امنیت دلایل زیر را بر می‌شمارد: اولاً؛ افزایش شدت روابط در نظام بین‌الملل موجب کنش و واکنش شدیدی میان آنارشی و وابستگی و نیز تغییر چهره‌ی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های شده است که مسأله امنیت را تبیین می‌کنند. در این چهارچوب، تهدیدات نظامی کم رنگ شده و به طور طبیعی منجر به آشکار شدن سایر انواع تهدیدات گردیده است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

ثانیاً؛ دومین دلیل به ویژگی‌ها سیاسی امنیت برمی‌گردد (امنیت مانع از مخالفت مشکل‌آفرین و گاه کاذب بین آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان می‌شود).

ثالثاً؛ سومین دلیل اتخاذ دستورکار موسع امنیتی، ویژگی این ایده از لحاظ فکری است. در این چهارچوب، مفهوم امنیت راهی برای پیوند نظریه و تحلیل در مطالعات بین‌المللی است و نظریه روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات استراتژیک، تحقیقات مربوط به صلح و جنگ، حقوق بشر، مطالعات توسعه، تاریخ بین‌المللی و برخی جنبه‌های علوم و تکنولوژی را در مجموع مطالعات امنیتی قرار می‌دهد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

بوزان تأکید اصلی خود را در تحلیل امنیت بر سطح تحلیل منطقه‌ای قرار داده است. او بر این باور است که کشورها باید در سیاست خارجی خود، جایگاهی ویژه‌ای به ابعاد امنیت منطقه‌ای اختصاص دهند و امنیت را در ابعاد چند بعدی آن پیگیری نمایند.

د) امنیت ملی به عنوان مرکز ثقل امنیت

مکتب کپنهاک امنیت را در سطوح امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی تقسیم می‌نماید. بوزان و همکارانش با الهام از ویور، امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت می‌دانند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲). در خصوص امنیت ملی دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی وجود دارد. آرنولد و لفرز در این رابطه می‌گویند: امنیت ملی نمادی ابهام‌آمیز است که اصلاً ممکن نیست دارای معنای دقیق باشد (آذرشب و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

امنیت ملی در دو گفتمان سلبی و ایجابی بیان شده است. امنیت ملی در دو گفتمان سلبی به پاسداری از سرزمین، حاکمیت و مردم در مقابل خطرات و تهدیدات دشمنان کشور

معطوف است و گفتمان ایجابی ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت‌ها برای توسعه و پیشرفت می‌باشد (نوید نیا، ۱۳۸۸: ۱۲).

۲. پیشنهاد تحقیق

از جمله پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: جلال‌پور و رحیمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «حضور نظامی آمریکا در عراق جدید و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» به تبیین حضور نظامی آمریکا در عراق برآمده‌اند، نویسندگان بر این باورند که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکایی‌ها به دنبال تعاریف تازه‌ای از منافع ملی حیاتی خود برآمده‌اند. حضور در منطقه خاورمیانه و دگرگونی در مباحث سیاسی آن از اهداف حضور آنها در منطقه است، آنها اشغال عراق و اعمال فشار به ایران را آغاز خشونت بار این راهبرد دانسته‌اند. حضور نظامی آمریکا در عراق زمینه‌ساز تهدیدات فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران شده است و می‌توان گفت امنیت ملی کشور در ابعاد مختلف با تهدیدات جدی مواجه شد. از جمله این تهدیدات می‌توان به ناامنی مرزها، حضور اسرائیل در کردستان عراق، حضور گروه‌های معارض در کردستان، مباحث و جدال‌های مرتبط با فدرالیسم، خلأ قدرت، افزایش درباره تنش در قرارداد الجزایر و افزایش تنش در حوضه‌ها و آبریزهای مشترک اشاره کرد.

سهرابی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» آغاز تجاوز نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را آغاز دوران جدیدی از روابط ایران و عراق برمی‌شمارد. از دیدگاه نویسنده سقوط صدام حسین فرصت استثنایی برای جمهوری اسلامی ایران پدید آورد تا قدرت سیاسی و فرهنگی خود را در عراق گسترش دهد. اما اشغال عراق و تداوم حضور قدرت‌های منطقه‌ای به بی ثباتی داخلی در عراق کمک کرده است. افزایش نقش منطقه‌ای ترکیه، عربستان و قطر و نزدیکی آنها به اسرائیل و انعقادهای مشترک نظامی به اسرائیل امکان داده است تا به مرزهای ایران نزدیک شود.

اخوان‌کاظمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق به پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران» پرداخته است. از دیدگاه این نویسندگان خلأ قدرت ایجاد شده پس از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳، هجوم داعش به این سرزمین و



برگزاری فرماندوم استقلال در کردستان عراق و گسترش فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی کردها در راستای اهداف استقلال طلبانه خود زمینه مناسبی برای توسعه حضور اسرائیل در عراق را فراهم آورده است. حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان عراق در راستای تحقق اهداف راهبردی این رژیم از جمله ایجاد یک متحد استراتژیک جدید در منطقه است. ایجاد قلمرو استراتژیک برای اسرائیل در نزدیکی مرزهای ایران، مقابله با حضور و نفوذ ایران در عراق، ایجاد محیط بحران با حمایت از استقلال کردستان و تجزیه عراق؛ طبیعتاً برای جمهوری اسلامی ایران مخاطرات و تهدیدات امنیتی را به دنبال خواهد داشت.

فراهانی و میرزایی (۱۳۹۵)، در مقاله ای تحت عنوان «تأثیر تهدیدات امنیت زیست محیطی بر امنیت ملی» معتقد است: بیوتروریسم به عنوان یک تهدید زیست محیطی در صورت وقوع می‌تواند ضمن به خطر انداختن امنیت ملی کشور تبدیل به بحرانی ملی شود. از دیدگاه این محققان با توجه به موقعیت جغرافیایی کشورمان و نیز حضور قدرت‌هایی نظیر آمریکا و رژیم صهیونیستی در اطراف ما، آسیب پذیری کشور در سطح ملی مانند مرزها و مناطق قومی و همچنین عدم توانایی برخی دولت‌های همسایه در اعمال حاکمیت بر تمام قلمرو خود، تروریسم را به یک دغدغه مهم برای جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. یافته‌های این محققان حاکی از آن است که عدم برنامه‌ریزی و آمادگی حکومت و جامعه در برابر یک اقدام بیوتروریستی کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و باعث ایجاد فاجعه‌ای عظیم می‌شود.

به هر حال، با دقت در آثار فوق مشاهده می‌شود که هیچ‌کدام از آن‌ها به مسأله تحقیق از دیدگاه این پژوهش و رهیافت تئوریک مورد نظر آن (مکتب مطالعات امنیتی کپنهاگ) نپرداخته‌اند.

۳. پیامد حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید

با حمله آمریکا و متحدان به عراق و سرنگونی دولت بعثی صدام حسین در سال ۲۰۰۳م، عراق جدید شاهد تحولات سیاسی و امنیتی گسترده گردید. از مهم‌ترین پیامد اشغال عراق به حضور و استقرار نیروهای فرمانطقه‌ای در عراق جدید و خصوصاً آمریکا می‌توان اشاره کرد. به دنبال تغییر و تحوات جدید، بازیگران فرمانطقه‌ای همچون اتحادیه اروپا، روسیه، چین و آمریکا حضور پررنگ‌تری در منطقه‌ی خاورمیانه پیدا کردند. از مهم‌ترین دلایل حضور

نیروهای فرامنطقه‌ای در عراق جدید می‌توان به امنیت انرژی، منع گسترش تسلیحات کشتار جمعی و مسأله تروریسم اشاره کرد (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۹). از مهم‌ترین پیامدهای حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید هم به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) دامن زدن به شکاف‌های قومی و مذهبی

ب) شکل‌گیری گروه‌های سلفی و تقویت جریان تروریستی در عراق جدید

ج) به خطر افتادن ثبات و امنیت مرزهای همسایگان عراق

د) تشدید رقابت‌های تسلیحاتی و نظامی در منطقه

ه) استفاده از سلاح‌های مخرب و اورانیوم ضعیف شده در عراق موجب ناامنی در حوزه محیط زیست در عراق و کشورهای پیرامونی شده است.

و) اختصاص بخش اعظم بودجه به بخش نظامی و غفلت از توسعه اقتصادی

ز) تأثیر حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

در پی سقوط صدام حسین دیکتاتور عراق در سال ۲۰۰۳ م، شاهد حضور گسترده نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق بوده‌ایم. حضور نیروهای فرامنطقه‌ای به بهانه مبارزه با تروریسم در عراق برای ایران تهدیدات امنیتی در اشکال مختلف به وجود آورده است. جهت‌گیری استراتژی آمریکا در عراق با ادعای امنیت‌سازی موجب بی‌ثباتی و ناامنی در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران گردیده است. ایجاد ائتلاف بین‌المللی با ادعای مبارزه با تروریسم در منطقه نه تنها موجب کاهش ناامنی نشده است، بلکه تروریسم در اشکال گوناگون رشد پیدا کرده است. دقت و تأمل در رویکرد نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا نشان می‌دهد که ادعای مبارزه با تروریسم، کنترل تسلیحات هسته‌ای و مقابله با بنیادگرایی با هدف تضمین امنیت اسرائیل و منافع آمریکا طرح ریزی شده و موجب معمای امنیتی برای منطقه خصوصاً ایران شده است. با توجه به مباحث ساختاری در مکتب کپنهاک، ناامنی‌های به وجود آمده در مناطق پیرامونی ایران خصوصاً عراق جدید، امنیت آن را در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با مخاطره مواجه ساخته است (khoei, 2015: 4-5). در ادامه این پژوهش به بررسی حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا در ابعاد پنج گانه امنیت از دیدگاه باری بوزان پرداخته شده است.



۳-۱. بعد نظامی

بعد نظامی کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم «امنیت» است که در دوران جنگ سرد نیز به لحاظ ساختار دو قطبی و رقابت دو بلوک حائز اهمیت بود (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵). بعد از جنگ سرد از اهمیت این بعد کاسته نشده، بلکه در کنار سایر ابعاد امنیت، همچون امنیت اجتماعی مورد توجه بوده است (Adler, 2008: 1) امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها در برداشت آنها از مقاصد یکدیگر است. رویکرد نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق، تکیه بر امنیت در بعد نظامی بوده است. آمریکایی‌ها با گسیل ۱۲۰ هزار نیروی نظامی به خاک عراق و ایجاد ده‌ها پایگاه نظامی و استقرار صدها فروند هواپیمای جنگی، عراق را در چنبره و کنترل خود داشتند و هم اکنون نیز تعداد زیادی نیرو و چندین پایگاه نظامی در عراق دارند. بی شک حضور این نیروها و تجهیزات نظامی در محیط پیرامون ایرانی، امنیت ایران را با مخاطره مواجه ساخته است. مهم‌ترین پیامد این بعد از امنیت بر جمهوری اسلامی عبارتند از:

اولاً؛ حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا در بعد نظامی در عراق جدید، همه اجزای دولت جمهوری اسلامی را تهدید می‌نماید.

ثانیاً؛ ایران برای مقابله با این بعد از حضور آمریکا و ارتقای امنیت ملی خود، باید بازدارندگی نظامی خود را تقویت نماید که افزایش بودجه نظامی، توجه به تجهیزات و استقرار نیروهای نظامی در مرز برای مقابله با تهدیدات احتمالی از آن جمله است.

ثالثاً؛ با توجه به حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید، حفظ امنیت نسبی در محیط ناامن منطقه و بی‌نظمی ایجاد شده در عراق از اولویت‌ها و دغدغه‌های جمهوری اسلامی بوده است. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که صرف نظر از ضعیف یا قوی بودن دولت، همواره هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی نظامی به قوت خود باقی هستند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

۳-۲. بعد سیاسی

امنیت سیاسی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در حوزه‌ی «امنیت» است. بعدی که به نوعی به حاکمیت و نهادهای برآمده یک کشور مرتبط است (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۲۸). تهدید سیاسی همواره متوجه ثبات سازمانی دولت می‌شود. هدف از این تهدید ممکن است از فشار

بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت را شامل گردد (اسماعیل زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵).

حضور نیروهای فرامنطقه‌ای چون آمریکا هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم به لحاظ تهدیدهای ناشی از تغییرات ژئوپلیتیک برای ایران به لحاظ سیاسی تهدید تلقی می‌گردد. آمریکایی‌ها از ۱۱ سپتامبر به بعد دنبال استراتژی «انزوای ایران» در حوزه ژئوپلیتیک و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای غیردوست ضد ایرانی و پیگیری سیاست تغییر رژیم، متمرکز بوده‌اند (George W. Bush's Speech at the National Endowment for Democracy, November 6, 2003). پیگیری چنین سیاستی باعث گردیده است که جمهوری اسلامی ایران در واکنش تدافعی به مقابله با اهداف تقابلی آمریکا در منطقه بپردازد (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳). از آنجا که دولت اصولاً موجودیتی سیاسی دارد، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد (اسماعیل زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵).

چالش‌ها و تهدیدات ناشی از حضور نیروهای آمریکایی در عراق جدید بر امنیت سیاسی ایران در اشکال زیر مؤثر بوده است و موجب ناامنی است:

اولاً؛ در خصوص آمریکا خصوصاً دولت ترامپ، سیاست خارجی آمریکا بر قصد تغییر رژیم و سرنگونی جمهوری اسلامی بود. البته این سیاست از سوی رؤسای جمهور قبلی آمریکا خصوصاً از دوران جورج بوش پسر متعاقب اشغال عراق در دستور کار بوده است. ثانیاً؛ آمریکایی‌ها با حضور در عراق و همسایگی ایران به ایجاد شکاف‌های اجتماعی (ایرانی - عرب، سنی - شیعه، کردی - عربی و ...) مشوق افراط‌گرایی در عراق جدید بوده‌اند. طبیعتاً با توجه به بافت مذهبی و قومی در ایران این اقدامات آمریکا برای ایران یک تهدید به حساب می‌آید، تهدیدی که ثبات و امنیت سیاسی ایران را نشانه رفته است.

ثالثاً؛ تهدید الگویی که از ناحیه حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً آمریکا، ایران را تهدید می‌نماید، تلاش آمریکا برای تجزیه کشورهای منطقه در راستای ژئوپلیتیک مدنظر آمریکا یعنی خاورمیانه جدید است. با حضور نیروهای فرامنطقه‌ای حرکات گروه‌های چون پژاک، جنبش العدل، خلق عرب و ... افزایش یافته است.

رابعاً؛ آمریکایی‌ها در بحث ژئوپلیتیک جدید از طریق مداخله در بحث کردها در عراق به پیچیدگی اوضاع امنیتی برای ایران، عراق، ترکیه و سوریه کمک کرده‌اند. شواهد موجود در چند سال اخیر نشان می‌دهد که به احتمال فراوان پ.ک.ک و پژاک در بزنگاه‌های حساس به صورت تهدیدی



برای کشورهای درگیر با این موضوع عرض اندام کرده‌اند که در نتیجه موجب تضعیف انسجام دولت‌های ایران، عراق و ترکیه شده است (Aghazadeh khoei, 2015: 3).

خامساً؛ امریکایی‌ها با حضور در عراق در منطقه بر آن هستند تا نظم امنیتی جدید خود را بر منطقه اعمال نمایند. مهم‌ترین محورهای رویکرد آمریکایی‌ها در این زمینه عبارتند از:

الف) تجزیه کشورهای اسلامی

برنارد لوئیس، اندیشمندی امریکایی - انگلیسی است که حوزه تخصصی وی شرق‌شناسی است. مهم‌ترین نظریه لوئیس که به دکتربین لوئیس نیز شهرت یافته است تجزیه کشورهای مناطق مختلف از جمله خاورمیانه است، زیرا در این صورت این کشورها توان تبدیل شدن به تهدیدی برای امنیت و منافع ایالات متحده آمریکا نخواهند داشت (Lewis, 1996: 59). البته تقویت و تضمین امنیت اسرائیل از اهداف راهبردی آمریکا در این زمینه است.

ب) جدال‌گرایی منطقه‌ای و مقابله با هنجارهای رقیب

جدال آمریکا با تمامی نیروهای معارض در قالب رسالت‌گرایی تفسیر می‌شود. این امر در فرهنگ سیاسی آمریکا نهادینه شده است. ابزارهای ارتباط جمعی آمریکا تلاش می‌کنند تا تهدیدات امنیتی را تبدیل به ادبیات و نشانه‌های فرهنگی - ایدئولوژیک نمایند. عموماً نماد مداخله‌گرایی امریکایی است که به هنگام حضور نیروهای امریکایی در خارج از کشور عینیت می‌یابد (متقی، ۱۳۸۵: ۹۸).

ج) تولید قدرت نرم و برجسته‌سازی جاذبه‌های امریکایی

امریکایی‌ها به بهره‌گیری از جاذبه‌های فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغاتی به دنبال برجسته‌سازی و اشاعه هنجارهای امریکایی برای مقابله با اسلام سیاسی در ایران و به چالش کشیدن امنیت و ثبات سیاسی ایران می‌باشند.

د) دگرگون‌سازی گروه‌های چالش‌گر

بنیان‌های فرهنگی، تاریخی و ایدئولوژیک آمریکایی را می‌توان زیرساخت واقعی رسالت‌گرایی و هم‌چنین یک جاذبه‌گرایی امریکایی دانست. به دنبال شکل‌گیری رسالت‌گرایی، انگیزه کنش فرهنگی، سیاسی و استراتژیک برای تبدیل «تو» و «من»، آن‌ها به ما فراهم می‌گردد. بنابراین رسالت‌گرایی امریکایی مبتنی بر نشانه‌های از جدال و خصومت است (متقی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). آمریکا برای رسیدن به این اهداف از «ایران‌هراسی» به منظور اتحاد و تعارض در منطقه‌ی خاورمیانه بهره

می‌گیرد. در کنار این رویکرد اعزام نیروهای نظامی آمریکا به خاورمیانه، ارائه طرح مشارکت خاورمیانه و هم چنین فعال‌سازی تئوری گسترش مناطق آزاد تجاری را در قالب انتقال ارزش‌های آمریکایی می‌توان مورد ارزیابی قرار داد.

۳-۳. بعد اقتصادی

بحث امنیت اقتصادی از مهم‌ترین مباحث مربوط به نظام‌های سیاسی است که از سال ۱۹۴۵ میلادی در دستور کار قرار گرفت. امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد به طور روز افزونی به عنوان بعدی از امنیت مطرح شد. یعنی دسترسی به منابع و بازارها و دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با سلامت جامعه به دنبال راه‌های جدیدی برای وارد کردن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سستی دفاعی بوده‌اند (سیف، ۱۳۸۹: ۱۰). خطر بزرگی که امروزه در مورد نظریات رایج امنیت اقتصادی وجود دارد این است که به غلط آن را تنها بعد مهم امنیت ملی تلقی کنیم. به موازات اهمیت «امنیت اقتصادی» تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی محسوب می‌گردد (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۸). امروزه اهمیت رویکرد اقتصادی در امنیت ملی با پیچیدگی‌های روزافزونی روبرو است. این پیچیدگی به دلیل افزایش مبادلات اقتصادی، وابستگی متقابل کشورها، جهانی شدن و گسترش روزافزون ارتباطات و آگاهی‌های عمومی بدست آمده است (غریاق‌زندی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۱۱۷). رابطه بین قابلیت اقتصادی و نظامی بسیار شناخته شده است. به طوری که برخی از اقدامات مداخله‌گرایانه آمریکا در منطقه خلیج فارس در چارچوب اقتصاد سیاسی آن کشور قابل تعریف است. بی شک یکی از دلایل حضور نیروهای آمریکایی در منطقه خصوصاً در عراق تأمین امنیت انرژی و دسترسی آسان به آن می‌باشد (غریاق‌زندی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۲). از مهم‌ترین پیامد حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً در عراق در بعد امنیت اقتصادی بر ایران به این موارد می‌توان اشاره کرد: اولاً؛ حضور آمریکا در عراق و کشورهای نفتی پیرامون ایران، تهدیدات اقتصادی علیه ایران خصوصاً کاهش صادرات نفت را در پی داشته است. در پی تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران، عراق با رشد تولید نفت خام خود، سهم ایران را در بازار نفت تصاحب کرد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵). این اقدام به توان اقتصاد ملی آسیب رسانده و کشور را در برابر مداخله‌گرایی خارجی آسیب پذیر ساخته است.



ثانیاً؛ عامل اقتصادی از موارد تشویق با تحریم کشورهای دیگر می‌باشد. کشورهای ضعیف عمدتاً به نوعی درصدد هستند رضایت کشورهای قوی را کسب و از صدمات تحریم اقتصادی کشورها دوری کنند، امریکایی‌ها در گذشته و هم اکنون دولت دونالد ترامپ از این نقیصه در دولت‌های منطقه حتی عراق استفاده می‌نماید و به دنبال قطع صادرات نفت ایران و جایگزینی آن از سوی کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد.

ثالثاً؛ یکی از اهداف اساسی طرح خاورمیانه بزرگتر امنیت انرژی است. اما رویکرد امریکایی‌ها نشان می‌دهد که این رویکرد دچار پارادوکس است، زیرا امنیت انرژی و انرژی امنیت، نیازمند ثبات و دولت مقتدر برای تأمین امنیت است، در حالی که دموکراسی‌سازی و دگرگونی، نیازمند تغییر و تلاطم است (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۷). طبیعتاً این تعارض و دوگانگی برای امنیت اقتصادی ایران تهدیدزا است و موجب کاهش دفاع ملی شده است و موجب تقویت تهدیدات خارجی ایران گردیده است (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

رابعاً؛ جایگاه انرژی در امنیت ملی امریکا باعث شده است که منطقه‌ی خاورمیانه همواره شاهد جنگ دائمی و تهدید باشد و این برای ایران که به دنبال توسعه اقتصادی است، چالش برانگیز است.

خامساً؛ حضور نیروهای فرامنطقه‌ای خصوصاً امریکا در منطقه موجب تهدید جریان انرژی تهدید صادرات نفت و ایران گردیده است. کاهش صادرات نفت ایران، یعنی کاهش منابع ارزی و کاهش استانداردهای زندگی، احساس محرومیت در مردم و در نهایت بی‌اعتمادی به دولت و حتی سیستم سیاسی (قنبرلو، ۱۳۹۷: ۱۴۳).

۴-۳. بعد اجتماعی

در یک نظام اجتماعی نقش گروه‌های جامعه‌ای نظیر اجتماعات قومی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی مهم است. بعد اجتماعی امنیت به معنای بازخوانی آن از لحاظ کیفیت حیات اجتماعی، هویت و هنجارهاست (Chena, 2008: 32). امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سستی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی اشاره دارد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵). امنیت پیوند میان امنیت با جامعه و طرح مفهوم اجتماع امنیتی حاکی از پذیرش ارزش‌های مشترک به عنوان سرآغاز همکاری‌های امنیتی و توسعه متقابل آن است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۴۴۱). امروزه در کنار دیگر مؤلفه‌های امنیت، بحث «امنیت اجتماعی» از جایگاه مهمی برخوردار است.

برخی از کارشناسان امنیت اجتماعی را در قالب «هویت ملی» ارزیابی می‌نمایند و تهدید اجتماعی را با تهدید به هویت ملی معنا می‌کنند (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵). حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق بر امنیت اجتماعی ایران اثرگذار بوده است. البته تفکیک مباحث اجتماعی و سیاسی در این زمینه سخت است. مهم‌ترین رویکردهای که آمریکایی‌ها در عراق و منطقه در این حوزه در دستور کار داشته‌اند و بر امنیت ملی ایران مؤثر بوده و بعضاً موجب تهدید امنیت ملی شده است عبارتند از:

اولاً؛ بهره‌گیری از ابزار رسانه و فضای مجازی با هدف تضعیف باورها و اعتقادات جامعه ایرانی و اختلال در فرآیند تصمیم‌گیری کشور

ثانیاً؛ بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی با هدف کاریکاتوریزه کردن، یعنی بزرگ و کوچک نشان دادن اموری که بر شاخص منافع و هنجارهای ملی و حکمتی تأثیر می‌گذارد (رزمجو و خسروی، ۱۳۹۲: ۷۱).

ثالثاً؛ یارگیری از مخالفان جمهوری اسلامی ایران در شبکه‌های اجتماعی برای پیگیری اهداف ضد امنیتی خود در ایران

رابعاً؛ دامن زدن به شکاف‌های قومی در ایران (کرد با فارس، فارس با عرب، ترک با فارس، بلوچ با فارس و ...)

خامساً؛ دامن زدن به شکاف‌های مذهبی (اختلاف‌افکنی میان شیعیان و اهل سنت).
محمّدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در این رابطه می‌گوید: «درگیری میان سنی‌ها و شیعیان جدی‌ترین تهدید امنیتی نه تنها برای منطقه، بلکه در مقیاس وسیع‌تر برای تمام جهان است. اختلاف فرقه‌ای در جهان اسلام تهدیدی برای همه‌ی ما به حساب می‌آید» (BBC News, 2015). بخش مهم دیگر حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً در عراق و خاورمیانه در ابعاد وسیع‌تر به دنبال دموکراسی‌پروری، دولت‌سازی و ملت‌سازی است که می‌تواند به چالش اساسی برای امنیت ملی تبدیل گردد.

۳-۵. بعد زیست محیطی

دگرگونی نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد به طور کلی مفهوم امنیت ملی را دچار دگرگونی ساخت. از مهم‌ترین دگرگونی‌های حادث شده در این زمینه می‌توان به جایگاه امنیت زیست محیطی در رویکرد امنیت ملی اشاره کرد.



با شکل گیری این مفهوم از امنیت، تهدید زیست محیطی نیز همانند دیگر تهدیدات مورد توجه قرار گرفت. امنیت زیست محیطی بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسأله مجزا را بیان می کند. عوامل زیست محیطی احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط زیست جهانی بر سلامتی جوامع و اقتصادها. این عقیده که تخریب محیط زیست، زمانی که به عنوان عامل برخوردهای خشونت آمیز تجلی پیدا می کند یک مسأله امنیتی است (علی زاده و پیشگاهی فرد، ۱۳۹۰: ۱۱۵). توسعه سلاح های جدید با فن آوری بالا، تغییرات آب و هوایی، کمبود آب، خطرات بهداشتی و نیازهای رو به رشد، انرژی شاخص های اصلی شکل دهنده ی این بعد از امنیت هستند (طباطبایی و فتحی، ۱۳۹۳: ۳۳).

حضور نیروهای فرامنطقه ای در عراق به لحاظ بعد امنیت زیست محیطی بر ایران تأثیراتی داشته است که عبارتند از:

اولاً؛ حضور نیروهای فرامنطقه ای خصوصاً آمریکا در عراق موجب نابودی خاک و محیط زیست شده است و با افزایش ریزگردها که کانون اصلی آن در عراق است، امنیت زیست محیطی میلیون ها ایرانی در نواحی مرزی و مرکزی ایران به خطر افتاده است. ثانیاً؛ در صورت عدم مهار کانون های ریزگرد، متروکه شدن نواحی مرزی ایران دور از تصور نیست.

ثالثاً؛ استفاده از سلاح ها و گلوله های ممنوعه در جنگ خلیج فارس به شدت مورد استفاده واقع شده است، به طوری که جنگ خلیج فارس را نوعی جنگ اتمی به حساب می آورند. پرتاب بیش از ۹۰۰/۰۰۰ گلوله حاوی ۳۰۰ گرم اورانیوم منحنی شده ۲۳۸ و پرتاب هر گلوله تانک با ۲۵۰۰ گرم اورانیوم خالص و بدون پوشش، امنیت محیط زیست عراق و ایران را با چالش مواجه ساخته است (بیلچر، ۱۳۹۸: ۷۴).

نتیجه گیری

امنیت از جمله مقولات پیچیده و بحث برانگیز در روابط بین الملل است. کارشناسان معتقدند که امنیت به معنای رهایی از تهدیدات در قبال ارزش های بنیادین است. در گذشته نوع نگاه به امنیت بیشتر از دیدگاه نظامی بود، اما امروزه نوع نگاه به امنیت دیدگاه موسع است. بوزان علاوه بر

جنبه‌های نظامی، جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را مشمول امنیت می‌داند. امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت و برداشت آنها از مقاصد یکدیگر است. مقوله «امنیت سیاسی» به حاکمیت و نهادهای برآمده از کشور مربوط است. از دیگر ابعاد امنیت به «امنیت اقتصادی» می‌توان اشاره کرد. در این حوزه منابع و رفاه مردم فراهم می‌گردد. در کنار امنیت نظامی، سیاسی و اقتصادی دو بعد «امنیت اجتماعی و زیست محیطی» هم سخت مورد توجه است. در بعد امنیت اجتماعی حفظ الگوها و ساخت اجتماعی جامعه چون (فرهنگ، سن، زبان، مذهب، هویت و ...) مورد توجه است. در امنیت زیست محیطی، محیط زیست به عنوان بستر حیات و بقای بشر مورد نظر است.

در این راستا، حضور نیروهای فرمانطقه‌ای خصوصاً آمریکا در عراق جدید، امنیت منطقه در ابعاد مختلف را به مخاطره انداخته است. حضور امریکایی‌ها در عراق در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تهدیدزا شده است. در پژوهش حاضر از دیدگاه مکتب کپنهاک به این پیامدها پرداخته شده است. حضور نیروهای امریکایی در عراق جدید و استقرار پایگاه‌های نظامی به رقابت تسلیحاتی در منطقه دامن زده و سطح تنش را بالا برده است. تمرکز جمهوری اسلامی ایران و اختصاص بودجه برای پیامدهای این حضور، هزینه‌های نظامی کشور را افزایش داده و موجب غفلت از ابعاد توسعه در کشور گردیده است. در حوزه امنیت سیاسی، پروژه ملت و دولت‌سازی آمریکا ایجاد اتحاد و ائتلاف‌ها علیه ایران در عراق و منطقه و سیاست اعلامی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی مبنی بر تغییر رژیم موجودیت سیاسی دولت‌ها را تهدید می‌کرد. لذا این حضور هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم به لحاظ تغییرات ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی تهدیدزا می‌باشد.

در بحث اقتصادی، تلاش برای قطع صادرات نفت ایران و استفاده از ابزار تحریم به شدت امنیت ملی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته است. کاهش منابع مالی و ارزی کشور یعنی کاهش قابلیت اقتصادی و نظامی کشور و ایجاد نارضایتی در مردم به نظام سیاسی از پیامدهای تهدیدات اقتصادی علیه جمهوری اسلامی است. حضور نیروهای فرمانطقه‌ای در عراق و استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی به تخریب خاک و محیط زیست عراق و منطقه و از جمله ایران آسیب رسانده است. شدت گرفتن ریزگردها که کانون اصلی آن در عراق است، برای میلیون‌ها ایرانی در غرب و مرکز کشور به یک مقوله امنیتی و تهدیدزا تبدیل شده است.



کتابنامه

- اخوان کاظمی، مسعود؛ فرزاد رستمی و حامد شاه‌ملکی (۱۳۹۶)، «تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال هشتم، شماره ۴.
- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و حسنعلی احمدی فشارکی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاک»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۶۱-۱۲۳.
- آذرشب، محمدتقی؛ مرتضی نجم‌آبادی و رامین بخشی تلیابی (۱۳۹۶)، «جایگاه امنیت در مکتب کپنهاک: چارچوبی برای تحلیل»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهارم، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول شماره اول، صص ۱۵۳-۱۱۳.
- بوزان، باری (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها، هراس؛ دستورکاری برای مطالعات امنیتی بین‌الملل در دوره‌ی پس از جنگ سرد، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیلچر، جان (۱۳۹۸)، اربابان جدید جهان، ترجمه مهرناز شهابی، مهرداد (خلیل) شهابی، نشر اختران.
- جلال پور، شیوا و محمد رحیمی (۱۳۹۶)، «حضور نظامی آمریکا در عراق جدید و تأثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۹، صص ۲۱-۱.
- حسینی، حسن (۱۳۸۷)، طرح خاورمیانه بزرگتر، انرژی امنیت و امنیت انرژی، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رزمجو، علی اکبر و افسانه خسروی (۱۳۹۲)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، تهران: سفیر اندیشه.
- سیف، اله‌داد (۱۳۸۹)، «مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۹.
- طباطبایی، محمدجواد و سیدمحمد فتحی (۱۳۹۳)، «تحول مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاک»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۴۲-۶.

عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۳)، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن»، دوره ۹، شماره ۳۳، پاییز، صص ۴۹۱-۵۱۲.

عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، «نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات ابرار معاصر. علی‌زاده، عمران و زهرا پیشگاهی‌فرد (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۰۷-۱۱۹.

غریایق زندی، داود (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست‌گذاری عمومی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. غریایق زندی، داوود و همکاران (۱۳۸۹)، سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

فراهانی، شراره و محمد مهدی میرزایی (۱۳۹۵)، «تأثیر تهدیدات امنیت زیست محیطی بر امنیت ملی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم، شماره بیست و نهم، زمستان، صص ۱۷۱-۱۹۱.

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۷)، «تحلیل تبعات اقتصادی-امنیتی تحریم‌های هسته‌ای پیش برجام در ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، سال نهم، شماره ۱.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «امریکا؛ هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، نامه دفاع مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره چهارم.

نویدینا، منیژه (۱۳۸۸)، «تحلیل رابطه شرایط اجتماعی و گفتمان امنیت»، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی واحد آشتیان، سال پنجم، شماره ۲، تابستان.

Adler, E (2008), "The Spread of Security Communities: Communities of Practice, Self-Restraint, and NATO's Post—Cold War Transformation", European Journal of international Relations, vol.10. No2.

Aghazadeh khoei. Mahdieh. (2015), "Iran's Security and the Islamic State through the Lenses of the Copenhagen School", studies in conflict & terrorism, vol38.

Buzan, Barry, Ole Waever, and Jaap de Wilde (1998), security: A New Framework for Analysis, Boulder, Colo: Lynne Rienner Pub.

Chena, S (2008), "L'Ecole de Copenhagen en Relations Internationales et la notion de «sécurité sociétale». Une théorie à la manière d'Huntington", Available at: <http://www.reseau-terra.eu/article750.html>

George W. Bush's Speech at the National Endowment for Democracy (November 6, 2003), "President Bush Discusses Freedom in Iraq and

Middle East", cited in:
whitehouse.archives.gov/news/releases/2003/11/20031106-2.html
 Haftendorn, Helga (1991), "The Security Puzzle: Theory-Building and Discipline-Building in International Security", *International Studies Quarterly*, Vol. 35, No. 1, pp. 3-17.
 Lewis, Bernard, (1996), "Islam and Liberal Democracy, a Historical Overview", *Journal of Democracy*, Vol, 12.
 Ullman, Richard (1983), "Redefining Security", *International Security*, Vol. 8, No. 1 (Summer), pp. 129-153 (25 pages).

